

# دکتر رابرت ای. پترسون، کلیسا و آخرالزمان جلسه ۱۵، ظهور مجدد مسیح، نقش آن در ارتقای آمادگی معنوی، نشانه‌های آخرالزمان

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر رابرت ای. پترسون در تدریس خود در مورد آموزه‌های کلیسا و آخرالزمان است. این جلسه ۱۵ است، بازگشت دوباره مسیح، عملکرد آن در ارتقای آمادگی معنوی. نشانه‌های زمان، ابراز لطف، انجیل به ملت‌ها، نجات اسرائیل، ابراز مخالفت.

پدر، از تو می‌خواهیم که ما را در مطالعه کلامت و تلاش برای فهم آموزه‌های آن برکت دهی. ما را مطابق اراده‌ات هدایت فرما، و ما به واسطه عیسی مسیح، واسطه عهد جدید، دعا می‌کنیم. آمین

ما در حال اتمام مبحث «ظهور دوباره» به عنوان یک موضوع اصلی هستیم و می‌خواهیم در مورد عملکرد آن صحبت کنیم. ما مطالب اساسی و واقعی در مورد نحوه‌ی آن ارائه دادیم. این موضوع، شخصی، قابل مشاهده و باشکوه است.

سپس در مورد زمان ظهور مجدد و اینکه چگونه باید همزمان بخش‌های مربوط به قریب‌الوقوع بودن، وقفه و جهل را کنار هم قرار دهیم، صحبت کردیم. این باعث جلب توجه می‌شود، اما فکر می‌کنم دقیقاً همان چیزی است که خداوند می‌خواهد. عملکرد بخش‌های ظهور مجدد چیست؟ اگر بخواهم در یک کلمه بگویم، می‌گویم که برای ارتقای آمادگی معنوی است.

متی ۲۴:۴۲، بیدار باشید، پس شما نیز باید آماده باشید. مرقس ۱۳:۳۳، مراقب باشید، هوشیار باشید، بیدار باشید. لوقا ۲۱:۳۶، همیشه بیدار باشید و دعا کنید.

در یک کلام، خداوند می‌خواهد که ما پیشاهنگان و دختران پیشاهنگ معنوی خوبی باشیم. شعار پیشاهنگان، این است: آماده باشید. شعار دختران پیشاهنگ این است: آیا دوست دارید یک جعبه کوکی دیگر بخرید؟ نه در واقع، شعار دختران پیشاهنگ همان شعار پیشاهنگان است: آماده باشید.

خداوند می‌خواهد ما پسران یا دختران پیشاهنگ روحانی باشیم. اهداف دیگری هم وجود دارد. به نظر من اگر به انجیل‌ها نگاه کنید، هدف اصلی آمادگی روحانی است.

این خیلی مهم است. من ناراحت می‌شوم وقتی می‌بینم هدف اصلی برخی از مؤمنان از مطالعه‌ی امور آخرالزمان این است که ثابت کنند خودشان در برخی جزئیات درست می‌گویند و دیگر مؤمنان اشتباه می‌کنند. فکر می‌کنم آنها کل هدف را از دست می‌دهند.

سال‌ها پیش، با خواندن مقاله‌ای از دی. ای. کارسون در کتابی به نام «کتاب مقدس و حقیقت»، از انتشارات کنگره بین‌المللی کتاب مقدس در مورد بی‌خطایی، آنها کتابی به نام «بی‌خطایی» منتشر کردند. شاید «کتاب مقدس و حقیقت» دومین کتاب آنها بود. دان کارسون در مقاله‌ای در مورد وحدت کتاب مقدس و امکان الهیات سیستماتیک، مطالب خاصی را بیان کرد که از آن زمان تاکنون در خاطرمان مانده است.

یکی هست، و این حرف من است. اینها حرف‌های من هستند، نه حرف‌های او. ما می‌خواهیم بدانیم که کتاب مقدس چه تعلیم می‌دهد، اما نمی‌خواهیم در آنجا متوقف شویم. دانستن اینکه کتاب مقدس چه تعلیم می‌دهد کافی نیست.

ما می‌خواهیم از متن بپرسیم و به طور صریح یا ضمنی، عملکرد کتاب مقدس را ببینیم. من این را هم برای پاراگراف‌ها، قسمت‌ها، فصل‌ها و کتاب‌های خاص کتاب مقدس و هم برای آموزه‌ها دوست دارم. می‌خواهم بدانم که عملکرد آموزه گناه نخستین چیست؟ عملکرد غلاطیان در فصل ششم چیست؟ نکته اصلی، اولین نکته، نه نکته اصلی، چیزی است که تعلیم می‌دهد. نکته دوم این است که چرا آنچه را که تعلیم می‌دهد، تعلیم می‌دهد. این یک سوال مهم است که باید از نظر خدمت به کلام خدا پرسیده شود.

چرا عیسی در گفتمان زیتون، گفتمان آخرالزمانی، درباره بازگشت دوباره خود با مضامین قریب‌الوقوع بودن وقفه و جهل تعلیم می‌دهد؟ به نظر من وظیفه اصلی، ارتقای آمادگی معنوی است، اما مطمئناً در متون دیگر نیز وظایف دیگری وجود دارد. اول یوحنا ۳ می‌گوید هر کسی که این امید را به بازگشت مسیح دارد، خود را پاک می‌کند، همانطور که او پاک است. پاک باید از امید زنده به بازگشت خداوند عیسی ناشی شود.

ما تیطس ۲:۱۳ را دیدیم، منتظر امید مبارکمان، ظهور جلال، یا شاید ظهور باشکوه خدای بزرگ و نجات‌دهنده‌مان، عیسی مسیح. این یک امید مبارک است. یعنی، باعث شادی در قوم خدا می‌شود.

حداقل، باید اینطور باشد. این یکی از اهداف آموزه بازگشت دوباره مسیح است. آیا باور شما به بازگشت دوباره، شما را از نظر معنوی برای بازگشت مسیح آماده می‌کند؟ آیا این باور، زندگی شما را با فکر کردن به موقعیتی که می‌خواهید هنگام بازگشت او در آن باشید، پاک می‌کند؟ آیا به شما شادی می‌دهد؟ اگر اینطور نباشد، مهم نیست که چقدر اصول و باورهای اعتقادی شما درست باشد، هدف کتاب مقدس آنطور که باید باشد، در زندگی شما یا من محقق نمی‌شود.

گاهی اوقات، کتاب مقدس به صراحت عملکرد کتاب مقدس را به ما می‌گوید. گاهی اوقات، ما باید آن را از نوشته‌های کتاب مقدس استنباط کنیم. من دوست دارم به شوخی بگویم که اول تسالونیکیان ۴:۱۸، به اصطلاح متن ربوده شدن، بنابراین، با این کلمات با یکدیگر کشتی می‌گیرند.

بنابراین، با این سخنان با یکدیگر دعوا کنید، نه، بلکه یکدیگر را تسلی دهید، پولس می‌گوید. بنابراین، با این سخنان یکدیگر را تشویق کنید. آیا آموزش شما در مورد آخرت‌شناسی در کلاس مدرسه یکشنبه، در مطالعه کتاب مقدس برای خانم‌ها، در مطالعه کتاب مقدس برای آقایان، باعث دلگرمی می‌شود؟ اگر نه، آن را به درستی آموزش نمی‌دهید.

شما آن را مطابق با هدفی که خدا برای آن داده است، آموزش نمی‌دهید. درک عملکرد کتاب مقدس یا آموزه‌ها و آموزش در جهت آن اهداف، صرفاً همکاری با روح القدس است که در وهله اول آن آموزه‌ها و متون را داده است. عملکرد آمدن دوم مسیح در کتاب مقدس و انجیل‌ها، ارتقای آمادگی معنوی است.

در کل عهد جدید، برای پاک کردن ما، اول یوحنا ۳:۳، برای شادی ما، تیطس ۲:۱۳، برای تسلی یا تشویق ما اول تسالونیکیان ۴:۱۸. تسالونیکیان گنج شده بودند. آنها منتظر آمدن عیسی بودند. آنها آیات مربوط به قریب‌الوقوع بودن ظهور را به خوبی می‌دانستند، و هیچ تاریخی را تعیین نمی‌کردند.

اما شاید آنها نیاز داشتند که درباره فواصل زمانی بیشتر بشنوند، و به همین دلیل است که ما دوم تسالونیکیان را داریم. اول باید اتفاقات خاصی رخ دهد. اما آنها می‌ترسیدند کسانی که مردند از این فرصت محروم شوند ۲. پولس می‌گوید، نه، به هیچ وجه.

آنها زنده خواهند شد و ما با هم به آسمان خواهیم رفت تا با هوا روبرو شویم. از آمدن دوم مسیح، به سمت نشانه‌های زمان‌ها حرکت می‌کنیم. اوه، شما می‌گویید

تعصب. اعتراف می‌کنم که از این موضوع برای ترویج تعصب و معلمان متعصب که ادعا می‌کنند پاسخ همه پرسش‌های اساسی را می‌دانند، استفاده شده است. هیچ‌کس پاسخ همه پرسش‌های اساسی را ندارد

نمودار من از درجات خطا را به خاطر بیاورید. همه ما در مورد جزئیات بازگشت دوباره مسیح و وقایع همزمان با آن، اشتباهاتی داریم. در این زمینه، با بازگشت به آن نمودار، می‌گوییم که حقیقت، آموزه روشن کتاب مقدس، بازگشت دوباره، رستاخیز مردگان، آخرین داوری و سرنوشت‌های ابدی بهشت و جهنم، یا آسمان‌های جدید، زمین جدید، محکومیت ابدی است

درست است. همینطور که به سمت چپ آن، به سمت خطا، حرکت می‌کنیم، همه ما اشتباهاتی داریم. ما همه چیز را کاملاً درک نمی‌کنیم

، بنابراین، رویکرد من این است که بر چهار حقیقتی که همین الان از آنها صحبت کردم، یعنی چهار حقیقت تأکید کنم و در مورد چیزهای دیگر نیز دیدگاه‌هایی داشته باشم، اما آنها را به مسائل اصلی تبدیل نکنم، زیرا اینطور نیستند و ما به سادگی همه پاسخ‌ها را نداریم. اما نشانه‌های زمان در کتاب مقدس آشکار شده‌اند و برای تهذیب ما طراحی شده‌اند. و اگر آنها را درست بفهمیم، اگر نگرش درستی نسبت به آنها داشته باشیم، دیدگاه تفسیری درستی داشته باشیم، که اساساً همان «از قبل و» «هنوز نه» است، آنگاه عملکرد آنها می‌تواند در زندگی و خدمت ما نیز به خوبی انجام شود

بگذارید با یک سری سوال توضیح بدهم. علائم آخرالزمان. سوال شماره یک، علائم آخرالزمان چیست؟ همانطور که در بسیاری از این یادداشت‌ها، من دو منبع را تصدیق می‌کنم

. آنتونی هو اکما، کتاب مقدس و آینده، دیوید کلاید جونز، سخنرانی‌های الهیات سیستماتیک. نشانه‌های زمان، پیش درآمد آمدن دوباره هستند. چه اعلام انجیل باشد، چه نجات کامل اسرائیل، چه مصیبت، چه ارتداد، چه دجال، چه جنگ‌ها، یا پدیده‌های طبیعی، عهد جدید به این موارد اشاره می‌کند تا ما را تشویق کند که منتظر بازگشت عیسی باشیم

آنها پیش درآمد آمدن دوباره هستند. اما بلافاصله باید اضافه کنیم که آنها پیش درآمد آمدن دوباره هستند که مشخصه کل دوره بین ظهورها می‌باشد. به عبارت دیگر، هر ویژگی اصلی چیزهای آخر، از قبل وجود داشته و هنوز وجود ندارد

. این نشانه‌ها نه تنها هنوز وجود ندارند؛ بلکه نه تنها مربوط به آینده هستند، بلکه از قبل نیز وجود دارند. آن‌ها از ویژگی‌های کل دوره بین ظهور هستند. من یک بار سخنرانی یک زلزله‌شناس، مردی با مدرک دکترا در مطالعات زلزله، را دیدم

. البته از او پرسیده شد که آیا زلزله‌ها در سال‌های اخیر افزایش یافته‌اند؟ اولین پاسخ او این بود که مطالعه زلزله‌شناسی آنقدر جدید است که ما تاریخ کافی نداریم. الان مثل ۲۰ سال پیش است، بنابراین ما اطلاعات بیشتری داریم، اما تاریخ کافی برای پاسخ هوشمندانه به این سوال نداریم. ما به تاریخ بیشتری نیاز داریم تا دیدگاه وسیع‌تری به ما بدهد

اما دوم اینکه، او گفت، من فکر نمی‌کنم. آنها کاملاً ثابت بوده‌اند. توانایی ما برای اندازه‌گیری آنها افزایش یافته است.

و اکنون در هر قاره‌ای افرادی هستند که این کار را انجام می‌دهند. و این کاملاً با الهیات من مطابقت دارد زیرا آنها مشخصه کل دوره بین ظهور هستند. بنابراین، در جایی زلزله‌ای رخ داده است.

آیا این نشانه‌ی زمان است؟ بله، همینطور است. آیا این به این معنی است که عیسی فردا می‌آید؟ نه، ما تاریخ یا زمان، روز یا ساعت آن را نمی‌دانیم. اما این طوری طراحی شده که ما را مشتاق بازگشت مسیح کند.

آیا ممکن است در روزهای آخر افزایش زیادی در تعداد آنها وجود داشته باشد؟ مطمئناً، مطمئناً. این یک جنبه‌ی «هنوز نه» خواهد بود. هر نشانه‌ی زمان، مشخصه کل زمان بین آمدن عیسی است و به شکلی بزرگتر تا زمان آمدن دوم مسیح محقق خواهد شد.

نشانه‌های این زمان‌ها چیستند؟ هر یک از آنها مقدمه‌ای برای ظهور مجدد هستند که برای ارتقای آمادگی معنوی و آماده نگه داشتن ما طراحی شده‌اند. و هر یک از آنها مشخصه کل دوره بین ظهورها هستند. به من آن دیدگاه از پیش موجود را بدهید، و سپس نشانه‌ها به چیزی عجیب یا چیزی مرموز یا چیزی که بتوانم از آن به عنوان چیزی فراتر از سایر مسیحیان استفاده کنم تا ادعا کنم که بهتر می‌دانم، تبدیل نمی‌شوند.

همچنین به ما کمک می‌کند تا بر قریب‌الوقوع بودن غفلت از عبارات مربوط به وقفه و جهل بیش از حد تأکید نکنیم. در این زمینه، قریب‌الوقوع بودن به چه معناست؟ شاید این سوال قبلاً به ذهن مردم خطور کرده باشد. این بدان معناست که آمدن دوم عیسی قریب‌الوقوع است.

مطمئناً خواهد آمد، و ما باید در پرتو آن زندگی کنیم، درک اینکه ممکن است فوراً نیاید. ممکن است بسیار دور باشد. به عبارت دیگر، قریب‌الوقوع بودن به معنای قطعی بودن آمدن، امید داشتن به آن، اما پیش‌بینی نکردن آن است.

قطعاً خواهد آمد، اما ما نمی‌دانیم چه زمانی. منظور عیسی از گفتن «بیدار باشید» چه بود؟ ما قبلاً متی را گفته‌ایم. مراقب، هوشیار و بیدار باشید ۳۷، ۳۵، ۱۳:۳۳.

چهار بار این را می‌گوید. یعنی از نظر اخلاقی آماده بودن، از نظر روحی آماده بودن. من عاشق کلمات دیوید جونز هستم.

من آنها را نقل قول می‌کنم. آنها برای پاسخ به سوال بعدی به یاد ماندنی هستند. آیا بازگشت مسیح مورد انتظار خواهد بود؟ این بازگشت برای افراد بی‌توجه و بی‌تفاوت غیرمنتظره خواهد بود.

انتظار می‌رود، کاملاً، اما پیش‌بینی نمی‌شود، کاملاً، توسط هوشیاران. این نیاز به حفظ کردن دارد. آیا بازگشت مسیح قابل انتظار خواهد بود؟ بله، باید انتظار داشت، اما به دلیل بی‌دقتی و بی‌تفاوتی غیرمنتظره خواهد بود.

آیا این دقیقاً همان چیزی نیست که اول تسالونیکیان ۵ گفت؟ و همچنین دوم پطرس ۳. ظهور او کجاست؟ او از آغاز جهان برنگشت. معلمان دروغین به جهل خود می‌بالند. بازگشت مسیح توسط افراد بی‌توجه و بی‌تفاوت غیرمنتظره خواهد بود.

دیوید جونز کلماتش را با دقت انتخاب کرد. این [وضعیت] توسط افراد هوشیار قابل پیش‌بینی است، اما پیش‌بینی نمی‌شود. ما باید هوشیار باشیم.

حالا، می‌خواهم نشانه‌ها را به دسته‌های مختلف تقسیم کنم. این می‌تواند درست از هوکما باشد. واقعاً هم همینطور است.

شما در مقدمه یک کتاب می‌خوانید. من کتاب‌های زیادی در این زمینه خوانده‌ام و افراد زیادی روی من تأثیر گذاشته‌اند. از معلم‌انم تشکر می‌کنم و تمام مسئولیت اشتباهات را می‌پذیرم. من یک بار کتابی خواندم که همین حرف را زده بود، و سپس او گفت، من مسئولیت اشتباهاتم را با آنها تقسیم می‌کنم.

آن مرد داشت شوخی می‌کرد. به نظرم خیلی خنده‌دار بود. او مسئولیت کامل اشتباهات را بر عهده نمی‌گرفت.

هیکما و دیوید جونز وابسته است. حتی نمی‌دانم کدام یک از آنها اصالت دارد، احتمالاً خیلی هم ندارد. در اینجا دسته‌بندی نشانه‌ها آمده است.

نشانه‌هایی که لطف خدا را نشان می‌دهند. باید ادامه داد، ادامه داد. ما به این پاسخ دادیم، ما به این پاسخ دادیم.

بفرمایید. نشانه‌هایی که لطف خدا را نشان می‌دهند. مرور کلی.

نشانه‌هایی که نشان‌دهنده‌ی مخالفت با خدا هستند. نشانه‌هایی که نشان‌دهنده‌ی داوری الهی هستند. همه این دسته‌ها مؤثرند.

برخی نشانه‌ها لطف خدا را نشان می‌دهند. همانطور که قبلاً گفتم، خدا چقدر مهربان است که در متی ۲۴:۱۴ برجسته‌ترین و شاخص‌ترین نشانه این زمانه را عطا می‌کند. زبان، زبان تونی هوکما است، ۲۴:۱۴.

متی ۲۴:۱۴، عیسی سخن می‌گوید و این مژده پادشاهی در سراسر جهان به عنوان شهادتی برای همه ملت‌ها اعلام خواهد شد و آنگاه پایان فرا خواهد رسید. اعلام مژده به همه ملت‌ها نشانه‌ای برجسته از این زمان‌ها است. این بارزترین نشانه این زمان‌ها است.

مطمئناً همین الان هم همینطور است. اگر کلیسا وظیفه خود را انجام دهد، در تمام دوره بین ظهور نیز همینطور خواهد بود. آیا قرار است در پایان، برداشت بیشتری داشته باشیم؟ من معتقدم که همینطور است.

این به معنای «از قبل» و «نه هنوز» است، و ما به متن دیگری که به طور خاص به این موضوع اشاره می‌کند، خواهیم پرداخت. این متن به طور خاص به این موضوع اشاره نمی‌کند. هوکما در ادامه اضافه می‌کند که این نشانه اعلام انجیل به جهان، انگیزه بزرگی برای مأموریت‌های مسیحی است.

چقدر خوب، چقدر بخشنده و مهربان است که خداوند بزرگترین نشانه زمانه، یعنی اعلام انجیل در سراسر جهان را رقم زده است. این نشانه‌ها به هیچ وجه ترویج مد فرقه‌ای و جنگ‌های مسیحیان و افرادی که ادعا می‌کنند همه پاسخ‌ها را دارند، نیست. این نشانه‌ها برای ترویج انجیل طراحی شده‌اند.

نشانه دیگری که فیض خدا را نشان می‌دهد، نجات کامل اسرائیل است. دوباره به رومیان ۱۱ برمی‌گردیم. پرده دوم نشان می‌دهد که زائران رومی در میان کسانی بودند که در زمان پنطیکاست در اورشلیم در جشن پنطیکاست شرکت کردند.

احتمالاً، برخی از آنها نجات یافتند. احتمالاً، این مسیحیان یهودی به روم بازگشتند، و کلیسای اولیه در روم احتمالاً یک کلیسای مسیحی عبری بود، همانطور که همه کلیساها در همان ابتدا بودند. و با این حال، در رومیان 11:13، که قبلاً آمده بود، پولس می‌گوید، البته، انجیل این است که ابتدا به یهودیان بروید تا اینکه به آنها بگویید.

اما زمانی که این نامه نوشته شد، رومیان ۱۱:۱۳، من با شما غیریهودیان صحبت می‌کردم. اکثر کلیساهای روم، نه یهودی، بلکه مسیحیان عبری بودند.

در واقع، فصل ۱۴ مشکلاتی را که یهودیان در پذیرش راه‌های غیریهودیان داشتند، نشان می‌دهد. شورای اورشلیم الزامات بسیار کمی را برای نجات غیریهودیان پس از نجات برای زندگی تعیین کرد. نخوردن چیزهایی برای او، پرهیز از بت‌پرستی، فساد جنسی و چیزهایی که در آنها گوشت خونین وجود دارد.

این کاملاً کلی و عمومی است. پولس در اول قرن‌تین ۸ و رومیان ۱۴، در مورد مسائل مبهم و قابل بحث دستورالعمل‌هایی ارائه می‌دهد. و در اینجا، او به روشنی بیان می‌کند که چیزهای ضروری را از چیزهای غیرضروری متمایز می‌کند.

و بنابراین، همانطور که آن فصل‌ها را می‌خوانیم، یهودیان برادران و خواهران ضعیف‌تری از آب درآمدند. زیرا آنها در مورد روزهای عبادت فراتر از یکشنبه تردید داشتند. و این قابل درک است.

اگر پدر و مادر شما و پدران و مادران آنها و پدران و مادران آنها عید فصح و غیره را برگزار می‌کردند، و شما به عنوان یک مسیحی یهودی اجازه داشتید که این کار را انجام دهید، احتمالاً این کار را می‌کردید. اگر خانه شما به گونه‌ای بود که این رسم وجود داشت، و اگر مادر شما آشپزخانه‌ای مخصوص یهودیان داشت و مادرش و دیگران نیز به همین ترتیب. و بنابراین یهودیان کمی نگران بودند زیرا غیریهودیان و پولس در رومیان ۱۴ آنها را به دلیل عدم احترام به برادران و خواهران یهودی سرزنش کرد.

آنها آزادی خود را به رخ می‌کشند. غیریهودیان برادران و خواهران قوی‌تری هستند و هیچ اجباری برای خوردن غذای کوشر و اضافه کردن روزهایی به روز خداوند احساس نمی‌کنند. و شاید فکر کنند که یهودیان به خاطر این کارشان تا حدودی قانون‌گرا هستند و این بد است زیرا آنها به یهودیان احترام نمی‌گذاشتند.

آنها مجبور نیستند این کارها را انجام دهند. پولس در این مورد بسیار واضح است. آنها در مسیح آزادی دارند، اما باید به برادران و خواهران خود نیز عشق بورزند و عمداً آنها را ضایع نکنند.

جمعه شب هات داگ کبابی آنها را با میگو نخورید. نه، ایده خوبی نیست. آنها باید یکدیگر را دوست داشته باشند، و بنابراین، اتفاقاً در فصل ۱۵ رومیان، به همین دلیل است که در رومیان تکرار این ترجیح بند را در کنار بسیاری از آموزه‌ها برای یهودیان و همچنین برای یونانیان می‌بینید.

او چه کار می‌کند؟ او به دنبال ترویج وحدت است. من عاشق فصل ۱۵ هستم. اول، ما که قوی هستیم وظیفه داریم که شکست‌های ضعیفان را تحمل کنیم و خودمان را راضی نکنیم.

شما مسیحیان غیریهودی، هر یک از ما باید همسایه خود را در راه خیرش خشنود سازیم تا او را بنا کنیم. زیرا مسیح در پی خشنودی خود نبود، بلکه چنانکه نوشته شده است، سرزنش‌های کسانی که شما را سرزنش می‌کردند، بر من فرود آمد. مزمور ۶۹:۹. خدای بردباری آیه ۵ و تشویق به شما عطا فرماید تا با هماهنگی با یکدیگر، مطابق مسیح عیسی، زندگی کنید تا با هم، یکصدا، خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح را ستایش کنید.

پس از سخنان اصلاحی در فصل ۱۴، ای برادران و خواهران یهودی در روم، غیریهودیان خود را که آزادی خود را اعمال می‌کنند، قضاوت نکنید. غیریهودیان در روم، نسبت به برادران و خواهران یهودی خود بیشتر ملاحظه کنید.

او می‌گوید هدف، وحدتی است که خدا را جلال می‌دهد، و من عاشق آیه ۷:۱۵ از رومیان هستم. بنابراین، از یکدیگر استقبال کنید، یکدیگر را بپذیرید و یکدیگر را بپذیرید، همانطور که خدا از شما استقبال کرده است همانطور که مسیح از شما برای جلال خدا استقبال کرده است. این کاری است که مؤمنان غیریهودی باید انجام دهند.

این کاری است که مؤمنان یهودی باید انجام دهند. آنها همان کسانی هستند که مسیح آنها را آزادانه و بدون قید و شرط، با عشق فراوان و آغوش باز پذیرفت. همه اینها زمینه را برای سردرگمی یهودیان فراهم می‌کند که پولس در فصل‌های ۹، ۱۰ و ۱۱ رومیان به آنها می‌پردازد.

ما به زودی به سراغ ۱۱ نفر از رومیان اینجا خواهیم رفت. نکته‌ی مبهم اینجا است. ما در پنطیکاست بودیم

، ما انجیل را شنیدیم و به آن ایمان آوردیم. ما مسیحیان یهودی عهد جدید شدیم. ما به شهر خود، رم بازگشتیم.

ما کلیساهای خانگی تأسیس کردیم و اوضاع واقعاً خوب پیش می‌رفت، و سپس خدا غیریهودیان را نجات داد و ما از آنها استقبال کردیم، و اکنون کلیساهای آنها توسط آنها مورد هجوم قرار گرفته است، و پولس وعده‌های خدا به اسرائیل را متوقف کرده است. آیا آنها شکست خورده‌اند؟ در رومیان ۹، ۱۰ و ۱۱، پولس به سه روش مکمل پاسخ می‌دهد. این سؤال به شکلی در رومیان ۹، ۶ مطرح می‌شود، جایی که او می‌گوید اما اینطور نیست که کلام خدا نتوانسته باشد داستان طولانی را کوتاه کند.

من سوال را تکرار می‌کنم و پاسخ‌های مربوط به فصل‌های ۹، ۱۰ و ۱۱ را ارائه می‌دهم. بحث من این است که نجات کامل اسرائیل را در چارچوب رومیان بررسی کنم. آیا کلام خدا شکست خورده است؟ پولس می‌گوید نه. و این اولین پاسخ من است. نه، شکست نخورده است.

درست مانند تاریخ اسرائیل، خدا فقط بازماندگان را نجات داد. خدا کسانی را نجات داد که او به طور مستقل برای نجات انتخاب کرده بود. تأکید در فصل ۹ رومیان، که قوی‌ترین تفسیر از پیش مقدر و حتی دوگانه از پیش مقدر در یک فصل از کتاب مقدس است، بر انتخاب مستقل و آزادی خدا در نجات است.

این نقطه شروع است. او به دلیلی آن را در اولویت قرار می‌دهد، اما این تنها نکته نیست. فصل ۱۰ به این سوال از این طریق پاسخ می‌دهد.

آیا وعده‌های خدا به اسرائیل، شکست خورده است؟ آیا کلام خدا به اسرائیل شکست خورده است؟ او نه، نه. اسرائیل بی‌ایمان دقیقاً همان چیزی را که از جانب خدا سزاوارش بود، دریافت کرد. کتاب مقدس مسئولیت، پاسخگویی و تقصیر انسان و این واقعیت را که یهودیان ایمان خود را از دست دادند، آموزش می‌دهد.

من در مورد چگونگی نجات آنها صحبت نمی‌کنم. آنها گمراه شده بودند، اما پس از انگیزه اولیه بسیاری از یهودیان در آن زمان، مرزها ترسیم شدند و تعداد کمتری از یهودیان ایمان آوردند و اکثریت اکنون ایمان نمی‌آورند و کلیسای روم به جای یک کلیسای یهودی با برخی از غیریهودیان، در حال تبدیل شدن به یک

کلیسای غیریهودی با برخی از یهودیان است. از این رو، مشکلاتی که در فصل ۱۴ به آنها پرداختیم مربوط به پذیرش یکدیگر توسط آنها بود. خدا آنچه را که در فصل ۹ به طور مستقل مقدر کرده بود، انجام داد. وعده‌های خدا به شکست نینجامید.

این اولین پاسخ است اما تنها پاسخ نیست. اسرائیل در فصل دهم به خاطر بی‌ایمانی‌اش به سزای اعمالش رسید، و سپس در فصل یازدهم می‌گوید که آیا کلام خدا در مورد اسرائیل باطل شده است؟ او نه. کار خدا با قوم اسرائیل تمام نشده است.

خداوند در میان مسیحیان یهودی‌نژاد نیز محصولی خواهد آورد که آنها را به ایمان به مسیح سوق می‌دهد. این چگونه عمل می‌کند؟ این عمل از طریق اصل حسادت انجام می‌شود. او به طور خاص به شما غیریهودیان خطاب می‌کند که زمانی باید احترام بیشتری داشته باشید و از ریشه درخت، یعنی تنه درختی که به آن پیوند زده شده‌اید، قردانی کنید، همانطور که شاخه‌های زیتون وحشی به آن پیوند زده شده‌اند.

آنها ریشه نیستند، تنه درخت نیستند، درخت نیستند، آنها شاخه‌های زیتون وحشی هستند. مراقب و محترم باشید، و بهتر است به ایمان خود ادامه دهید و پسران و دختران و نوه‌هایتان را شاگردسازی کنید، وگرنه از هم جدا خواهید شد و خانواده‌تان نیز از هم جدا خواهند شد. در مورد از دست دادن رستگاری فردی صحبت نمی‌کنم، اما آن رشته ایمان و فیض می‌تواند با ارتداد، با نتیجه، انکار ایمان، با تفرقه، با جدا شدن از کلیسا، با آموزه‌های نادرست از نوعی قوی که ما آن را بدعت می‌نامیم، شکسته شود.

خدا اکنون شما غیریهودیان را نجات داده است، پس از آنکه در عهد عتیق فقط یهودیان را نجات داد، زیرا اسرائیل آنطور که باید، نوری برای ملت‌ها نبود، و اکنون او شما را نجات داده است، و شما در اکثریت هستید، و اکنون این نقشه خوب خداست که قوم برگزیده، قوم ابراهیم، اسحاق و یعقوب، قوم پدر را به سوی خود بازگرداند، زیرا آنها نسبت به فیض خدا و نجاتی که حتی به غیریهودیان نشان داده شده است حسادت می‌کنند. به آن فکر کنید. آیه ۲۵، مبادا از فصل ۱۱ عاقل باشید، مبادا در نظر خود عاقل باشید.

برادران، نمی‌خواهم از این راز بی‌خبر باشید. نوعی سخت‌دلی جزئی بر اسرائیل نازل شده است. آه، برخی ایمانداران وجود دارند، اما تعداد ایمانداران جدید رو به کاهش است، تعداد غیریهودیان بسیار بیشتر از یهودیان است تا زمانی که نوعی سخت‌دلی جزئی بر اسرائیل نازل شود، تا زمانی که تمامیت غیریهودیان فرا رسد. و به این ترتیب تمام اسرائیل نجات خواهد یافت.

تمام اسرائیل نجات خواهد یافت. تک تک اسرائیلی‌ها؟ البته که نه. اما مجموع تمام یهودیانی که به انجیل ایمان دارند، بین آمدن مسیح، که همین الان هم هست، و ظاهراً برداشت محصول بزرگ نزدیک به زمان آمدن دوم، که هنوز نه، ایمان دارند.

نجات‌دهنده از صهیون خواهد آمد. او بی‌دینی را از یعقوب دور خواهد کرد و این عهد من با آنها خواهد بود. وقتی که گناهانشان را از بین ببرم. از اشعیا ۵۹، در مورد انجیل، آنها، یهودیان، به خاطر شما دشمن هستند.

اسرائیل قرن اول و اسرائیل قرن بیست و یکم در موقعیتی بسیار غیرعادی در برابر خداوند قرار دارند. در مورد انجیل، آنها به خاطر شما دشمنان خدا هستند زیرا خدا دریاچه‌های سیل را به روی غیریهودیان باز کرده است و غیریهودیان بیشتری نسبت به یهودیان نجات می‌یابند. آه، اما نقشه او این است که یهودیان را به حسادت در مورد نجات غیریهودیان تحریک کند تا آنها را با روح القدس به ایمان به عیسی به عنوان پروردگار و مسیح و ناجی خود سوق دهد.

از نظر برگزیدگی، از نظر انجیل، آنها به خاطر شما دشمن هستند. با این حال، از نظر برگزیدگی، آنها به خاطر اجدادشان محبوب هستند. اسرائیل هنوز قوم برگزیده اوست.

اسرائیل را تعریف کنید. نوادگان خونی ابراهیم و سارا. به همین دلیل است که من همچنان از عبارت اسرائیل قومی استفاده می‌کنم.

آیا ممکن است حقیقت نداشته باشد که قوم اسرائیل تغییر دین خواهند داد؟ بله، ممکن است حقیقت داشته باشد. آیا فکر می‌کنم اینجا این را تعلیم می‌دهد؟ خیر. آیا فکر می‌کنم در جایی از عهد جدید این را تعلیم می‌دهد؟ خیر.

البته من به کسانی که با من مخالفند احترام می‌گذارم. من همیشه احترام می‌گذارم، به خصوص به مؤمنانی که با من مخالفند. اما این را به من بدهید.

حداقل یک تغییر کیش بزرگ در قوم اسرائیل، در قوم بنی اسرائیل نژادپرست رخ خواهد داد. زیرا مواهب و دعوت خدا غیرقابل بازگشت است. این حاکمیت خداست که پشت امید ما برای تغییر کیش گسترده یهودیان قومی در آینده قرار دارد.

زیرا همانطور که شما غیریهودیان زمانی از خدا نافرمان بودید، اما اکنون به دلیل نافرمانی خود رحمت یافته‌اید، آنها نیز اکنون نافرمان شده‌اند تا به وسیله رحمتی که به شما نشان داده شده است، آنها نیز اکنون از خدا رحمت یابند. زیرا خدا همه را به نافرمانی سپرده است تا بر همه رحم کند. آه، چه ژرفای ثروت و حکمت و علم خدا.

چه کاوش ناپذیرند احکام او و چه ژرفاناپذیرند راه‌های او؟ زیرا کیست که فکر خداوند را دانسته باشد؟ هیچ بشری. چه کسی مشاور او بوده است؟ آیا شوخی می‌کنی؟ یا چه کسی به او هدیه‌ای داده است تا پاداشی به او داده شود؟ پرسش‌های بلاغی چنان مضحک هستند که نیازی به پاسخ ندارند.

زیرا همه چیز از او و به وسیله او و تا اوست. جلال تا ابد از آن اوست. آمین.

کلام خدا به اسرائیل شکست نخورده است. او آنچه را که با اقتدار خود مقدر کرده بود، در نجات بسیاری از مسیحیان یهودی نژاد در قرن اول و غیر یهودیان انجام داد (رومیان ۹). (کلام خدا به اسرائیل شکست نخورده است. دلیل اینکه بسیاری از اسرائیلیان نجات نیافته‌اند این است که آنها به انجیل ایمان نیاورده‌اند.

آنها مقصردند، رومیان ۱۰. و با این حال، اگر از زاویه دید وسیع‌تری به قضیه نگاه کنیم، کار خدا با اسرائیل کاملاً تمام نشده است. آه، آنها دشمنان انجیل هستند.

آنها این را باور ندارند. اما از آنجا که مواهب و دعوت خداوند غیرقابل بازگشت است، آنها به خاطر ابراهیم، اسحاق و یعقوب دوست داشته می‌شوند. به خاطر شخص آنها؟ نه.

به خاطر عهد خدا با آنها. انتخاب او از ابراهیم. این یک انتخاب دائمی است.

و خداوند همچنان پسران و دختران فراوان ابراهیم را به سوی رستگاری خواهد آورد. در واقع، در تمام طول زمان بین ظهور اول و دوم عیسی، کسانی که ایمان می‌آورند، بخشی از کلیسا می‌شوند. و ظاهراً، برداشت بزرگی در زمان ظهور دوم وجود خواهد داشت.

به نام «اسرائیل PNR باید بگویم، افراد خوب با من مخالفند. محققى به نام ا. پالم رابرتسون کتابى برای خدا «نوشته است. و او به این ترتیب تفسیر می‌کند که منظور از «تمام اسرائیل نجات خواهد یافت» نه قوم اسرائیل، بلکه کلیسا است.

من واقعاً او را خیلی دوست دارم و برایش احترام قائلم. اما مخالفم. من با آنتونی هوکما موافقم.

اسرائیل، در فصل‌های ۹، ۱۰ و ۱۱ رومیان، به معنای یهودیان است. این دقیقاً به معنای قوم اسرائیل است. دو دیدگاه عمده توسط مسیحیان انجیلی در مورد این عبارت وجود دارد.

و بنابراین، تمام اسرائیل نجات خواهد یافت، رومیان ۱۱:۲۶، با توجه به آیات زیر که توضیح داده‌ام. اولاً، منظور اسرائیل معنوی است، یعنی تمام برگزیدگان. این دیدگاه پالم رابرتسون است.

آیا درست نیست که گاهی اوقات، عهد جدید از کلیسا به عنوان اسرائیل معنوی صحبت می‌کند؟ بله. آیا اینجا درست است؟ فکر نمی‌کنم. اما انصافاً، تصدیق می‌کنم که برخی آن را به معنای اسرائیل معنوی می‌دانند.

دیدگاه دوم زیرمجموعه‌هایی دارد، اما مربوط به قوم اسرائیل است. از نظر فیزیکی از نسل ابراهیم و سارا. سه زیرمجموعه.

بنابراین، اسرائیل معنوی، نه اسرائیل قومی، بلکه اسرائیل کلیسا. دیدگاه غالب، اسرائیل قومی است. دیدگاه هو. اکما مجموع نجات‌یافتگان بین آمدن مسیح است.

من آن را «از قبل» می‌نامم. و تا حدودی با آن موافقم. ب، کلیتی که دوره بین ظهور را به اوج خود می‌رساند.

هوکما این را نمی‌پذیرد، اما به نظر می‌رسد که پذیرای آن است. من به دلیل اصل خودم، که امیدوارم از عهد جدید ناشی شود، ترجیح می‌دهم که هر مضمون اصلی آخرالزمانی از قبل یک «هنوز نه» است. من ترکیبی از دیدگاه‌های الف و ب را ترجیح می‌دهم، تحت این مفهوم که قوم اسرائیل همان اسرائیلی است که او می‌گوید و بنابراین تمام اسرائیل نجات خواهد یافت.

این هم مجموع نجات‌یافته بین عهدین، آمدن مسیح، با ایمان به انجیل است، و هم کلیتی که آن دوره بین آمدن مسیح را به اوج خود می‌رساند. دیدگاه سومى که با احترام مطرح می‌کنم، اما رد می‌کنم. یک موجودیت سیاسی پس از ربوده شدن کلیسا، یک دیدگاه تدبیرگرایانه.

من به برادران و خواهران دینی‌ام احترام می‌گذارم و آنها را دوست دارم. با این نظر مخالفم. از دیدنشان خوشحالم.

هر الهیاتی رشد و توسعه می‌یابد. تاریخ تدبیرگرایی، همانطور که در مقالات کریگ بلیزینگ در کتاب مقدس مدرسه علمیه دالاس نشان داده شده است، شگفت‌انگیز و قابل توجه است و به چیزی که به عنوان تدبیرگرایی مترقی شناخته می‌شود، منجر شده است که من از بسیاری جهات با آن موافقم. اما او نشان می‌دهد که چگونه از زمان جی. ان. داربی، لوئیس بری چفر، جان والورد، چارلز رایری، و اکنون به ویژه بلیزینگ و دارل باک و کریگ بلیزینگ، که راه را در تدبیرگرایی مترقی رهبری کرده‌اند، پیشرفت‌هایی وجود داشته است.

پشت صحنه، استاد آنها، لانیر برنز، در گفتگویی شخصی به من گفت که او از طریق آنها به انجام این کار کمک کرده است. لانیر برنز، احتمالاً اسم او را نشنیده‌اید. مرد خداترسی است.

او معلم آنها بود. من سپاسگزارم که بر اساس تصویر درخت زیتون در رومیان 11:11، اکثر مترقیان تقدیرگرا اکنون آموزش می‌دهند که هیچ سرنوشت جداگانه‌ای برای یهودیان وجود ندارد. در نهایت، یک کلیسای خدا در آسمان‌های جدید و در زمین جدید وجود خواهد داشت.

آنها به هزاره یهودی پیش از آن آسمان‌های جدید و زمین جدید اعتقاد دارند، و این موضوع دیگری است که در سخنرانی دیگری به آن خواهیم پرداخت. نشانه‌هایی که نشان دهنده مخالفت با خدا هستند. مصیبت

آیات ۱۵ تا ۲۵ از باب ۲۴ انجیل متی، این ایده را برجسته می‌کند. مشکل به این صورت درمی‌آید، و این نیز بازتابی از «از قبل» و «نه هنوز» است. متی و لوقا هم نابودی اورشلیم در قرن اول و هم ظاهراً مصیبت بزرگ آخرالزمان را با هم ترکیب می‌کنند.

آنها به لحاظ موضوعی کنار هم قرار گرفته‌اند تا از عبارت‌های استفاده کنند. در اینجا پیش‌گویی‌هایی وجود دارد. نابودی قریب‌الوقوع اورشلیم به عنوان نمونه‌ای، اگر بخواهید، از آنچه در نهایت با مصیبت عظیم اتفاق خواهد افتاد، ارائه شده است.

به نظر من هر دو آنجا هستند. دی. ای. کارسون موافق است. گاهی اوقات تشخیص دقیق زمان تغییر از یکی به دیگری دشوار است، اما هم لوقا ۲۱ و هم متی ۲۴:۲۵ از نابودی اورشلیم و معبد و مصیبت عظیم صحبت می‌کنند، که هنوز اتفاق نیفتاده است.

متی ۱۵:۲۴ و آیات بعدی. پس چون آن مکروه ویرانی را که دانیال نبی از آن سخن گفته است، در مکان مقدس ایستاده ببینید، خواننده بفهمد. آنگاه کسانی که در یهودیه هستند، به کوه‌ها بگریزند.

آن که بر بام خانه بود، برای برداشتن آنچه در خانه‌اش است، پایین نیاید. آن که در مزرعه است، برای برداشتن ردای خود برنگردد. و وای بر زنانی که در آن روزها باردار هستند و برای زنانی که نوزاد شیرخوار دارند، دعا کنید که فرار شما در زمستان یا در روز سبت نباشد.

زیرا در آن زمان، مصیبت عظیمی روی خواهد داد که از ابتدای جهان تاکنون چنین نبوده و هرگز نیز نخواهد بود.

و اگر آن روزها کوتاه نمی‌شد، هیچ بشری نجات نمی‌یافت. اما به خاطر برگزیدگان، آن روزها کوتاه خواهد شد. اینجاست که او می‌گوید: اگر کسی بگوید مسیح اینجا یا آنجاست، او را باور نکنید زیرا مانند صاعقه خواهد بود.

خیلی واضح خواهد بود. بلافاصله پس از آن، پس از مصیبت آن روزها، خورشید تاریک خواهد شد. ماه نور خود را نخواهد داد و ستارگان از آسمان فرو خواهند ریخت و قدرت‌های آسمان متزلزل خواهند شد.

آنگاه نشان پسر انسان در آسمان پدیدار خواهد شد و همه طوایف زمین سوگواری خواهند کرد. پسر انسان را خواهند دید که بر ابرهای آسمان می‌آید. این هنوز اتفاق نیفتاده است.

این هنوز در تخمین من نیست. او با قدرت و جلال عظیم، فرشتگان خود را با صدای شیپور خواهد فرستاد. آنها برگزیدگان او را از چهار گوشه جهان، از یک کران آسمان تا کران دیگر، گرد هم خواهند آورد.

بنابراین، بین هر دو مصیبتی که از قبل در سال ۷۰ میلادی رخ داده و مصیبت بزرگ آینده که از نظر موضوعی با هم ترکیب شده‌اند، یک مصیبت وجود دارد. این یکی از ویژگی‌های انجیل متی به دلیل کوتاه‌سازی نبوی

است. من اخیراً کتاب فوق‌العاده دارل باخ در مورد تصاویر یا مشخصات عیسی از هفته اول انجیل‌های هم‌نوا و یوحنا را خوانده‌ام.

و این یک اثر پخته از یک محقق پخته و بسیار آموزنده است. او موضعی پیشاهزاره‌ای و تقدیرگرایانه اتخاذ می‌کند، اما منصفانه و حداقلی است. این اثر بسیار بسیار خوب نوشته شده است.

نشانه‌هایی دال بر مخالفت با خدا، مصیبت، ارتداد، متی ۱۰:۲۴ تا ۱۱. و بسیاری از ایمان خود منحرف شده به یکدیگر خیانت خواهند کرد و از یکدیگر متنفر خواهند شد. و بسیاری از پیامبران دروغین ظهور کرده و بسیاری را گمراه خواهند کرد.

قبلاً دیدیم که در دوم تسالونیکیان ۲: ۱ تا ۳ در مورد شورش می‌گوید که باید اول اتفاق بیفتد صحبت شده است. این یکی از گفته‌های ما در این فاصله بود. شورش باید قبل از روز بزرگ خداوند و بازگشت مسیح اتفاق بیفتد.

اول یوحنا ۱۹: ۲، شنیده‌اید که دجال می‌آید. آیه ۱۸: پیش از این، دجال‌های بسیاری آمده‌اند. این ارتداد است.

این رویگردانی از ایمانی است که زمانی به ضد مسیح بودن اعتراف می‌کرد. ما دوم تسالونیکیان ۳: ۲ تا ۱۲، مرد بی‌دین را می‌خوانیم. اول یوحنا ۱۸: ۲، شما شنیده‌اید که ضد مسیح به طور مفرد می‌آید.

دجال همچنین نشانه‌ای از مخالفت با خداست. اول یوحنا ۲: ۱۸ و ۱۹ می‌گوید که بسیاری از دجال‌ها آمده‌اند. در حال حاضر، دجال هنوز نیامده است.

اول یوحنا ۱۸: ۲، دوم تسالونیکیان ۳: ۲ تا ۱۲. به نظر من، دجال هم اکنون وجود دارد و هم هنوز وجود ندارد، همانطور که هر مضمون نبوی مهم دیگری وجود دارد. در سخنرانی بعدی خود به نشانه‌هایی که نشان دهنده داوری الهی هستند خواهیم پرداخت.

تا اینجا، نشانه‌هایی را که نشان‌دهنده لطف خدا و مخالفت با خدا هستند، بررسی کرده‌ایم.

این دکتر رابرت ای. پترسون در تدریس خود در مورد آموزه‌های کلیسا و آخرالزمان است. این جلسه ۱۵ است. بازگشت دوباره مسیح، عملکرد آن در ارتقای آمادگی معنوی. نشانه‌های زمان‌ها، ابراز لطف، انجیل به ملت‌ها، نجات اسرائیل، ابراز مخالفت.